

۱۴۴۸۹۵۸

۱۴۴۸۹۵۸

۹۵۱۲۸

به نام خدا

در باره تاریخ و زبان قوم کاسی

گردآوری و برگردان: میلاد جهانگیرفر

پژوهشگر گروه پژوهشی یادگار باستان

سرشناسه : جهانگیرفر، میلاد، ۱۳۶۳-، گردآورنده و مترجم
 عنوان و نام پدیدآور : سه گفتار در باره تاریخ و زبان قوم کاسی/گردآورنده و برگردان میلاد جهانگیرفر.
 مشخصات نشر : تهران: نشرسمیرا، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۱۳۰ص.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۵۵-۷۴-۳
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 یادداشت :
 موضوع : کاسیان
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۳ س۹ ج۹ DSR
 رده بندی دیسی : ۹۵۵/۰۱۲ :
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۵۸۵۸۰۰

سه گفتار درباره تاریخ و زبان قوم کاسی

گردآوری و برگردان: میلاد جهانگیرفر

نشرسمیرا

۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۱۰

ویراستار: فهیمه شکیبا

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۵۵-۷۴-۳

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

مرکز فروش: میراث کتاب

تلفن: ۶۶۴۶۶۳۴۵، ۶۶۴۶۶۳۴۸ - ۰۲۱

تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس کوچه اسکو شماره ۱۳

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۲۱	کاسی‌ها (ران زی‌داک)
۴۳	کاسی‌ها و گاه‌نگاری خاور نزدیک (آلبرشت گوتسه)
۵۹	زبان کاسی در مقایسه با زبان‌های هوری و اورویت (آرنو فورنه)
۱۲	کتاب‌شناسی گزیده کاسی
۱۲۵	نمایه

پیشگفتار

کاسی‌ها قومی بودند که احتمالاً از آن‌ها از منطقه زاگرس بود و از سده شانزدهم تا دوازدهم پ. م. بر بابل حکم راندند. نام ایشان در زبان اکدی «کَشو» (Kaššû) است. این واژه در ترکیب نام افراد نیز به کار می‌رفته است.^۱ کَشو از *G/kalz** یعنی صورت کاسی آن بوجود آمده است. کهن‌ترین سندی که در آن از قوم کاسی یاد شده است، متون ایلامی متعلق به عهد پوزوراینشوشینک (حدود ۲۱۰۰ پ. م.) است.

خاستگاه اصلی و نخستین قوم کاسی هنوز به درستی مشخص نیست. برخی پژوهشگران پیرو این نظریه هستند که ایشان از زاگرس مرکزی از طریق منطقه دیاله (Diyala) سفلی به بابل شمالی، بویژه منطقه سیپار (Sippar) در اواخر دوره بابل کهن نفوذ کردند. دیاکونوف^۲ کاسی‌ها را ملتی کوه نشین می‌داند که در محل لرستان کنونی و در سده‌های هژدهم تا شانزدهم پیش از میلاد می‌زیستند.

^۱ J. Black, A. George, & N. Postgate, (eds.), *A Concise Dictionary of Akkadian*, Wiesbaden, 2000: 153.

^۲ م. دیاکونوف، *تاریخ تاریخ ایران باستان*، ترجمه ر. اربابی، تهران، ۱۳۴۶: ۵۵-۵۶.

دوره تسلط کاسی‌ها بر بابل طولانی‌ترین تسلط قومی بیگانه بر این منطقه است. ظاهراً کاسی‌ها با فرهنگ میان‌رودانی بخوبی کنار آمدند و شیوهٔ اداری پیشین را با کمترین تغییرات ادامه دادند. آنچه از مطالعهٔ اسناد بجای‌مانده از دوره کاسی‌ها در میان‌رودان به دست می‌آید گویای این نکته است که کاسی‌ها پیرو سیاست تحمیل باورهای دینی خود به مردم تحت فرمان نبودند. به بیان دیگر، با وجود آنکه شاهان کاسی تقریباً شش سده بر میان‌رودان حکمرانی کردند، ولی تأثیر دینی و فرهنگی ژرفی بر آن نداشتند. پژوهشگران بر این باور هستند که کاسی‌ها نیروی نظامی جدیدی بودند که وارد سرزمین بابل شده و حکومت آن را به دست گرفتند. در عین حال این نیروی حاکم مراقب بود تا بر امور دینی این سرزمین دخالتی نکند و از انجام اعمال مذهبی مرسوم در بابل ممانعتی به عمل نرورد. کاسی‌ها حتی تلاش کردند تا خدایان خویش را به نوعی همانند خدایان اکدی و سومری کنند.^۳ چنین به نظر می‌رسد که حکومت بلند مدت ایشان میان‌برده‌ای طولانی در تأسیس و تداوم پادشاهی بابل بوده است. با این حال این نکته حائز اهمیت است که کاسی‌ها دارای چنان سیاست موفقی بودند که توانستند بر یکی از متمدن‌ترین سرزمین‌های آن روزگار چیرگی یابند.

آنچه ما از این قوم می‌دانیم به واسطهٔ آثار باستان‌شناسی و زبان‌شناسی اندکی است که از ایشان در میان‌رودان برجای مانده است. در واقع می‌توان گفت که کاسی‌ها به دلیل تأسیس دومین سلسله در سرزمین بابل، یا سلسله بابلی، پخته ساخته شده‌اند. تا کنون مسکن اصلی این قوم به‌طور قطع مشخص نشده‌است، هرچند برخی پژوهشگران خاستگاه ایشان را کوه‌های زاگرس در ایران دانسته‌اند.

^۳ Beatrice Laura Goff, *Symbols of prehistoric Mesopotamia*, New Haven and London, 1963: 207.

بیشترین اسناد مربوط به دوره کاسی‌ها، لوحه‌های به دست آمده از شهر باستانی نیپور در میان‌رودان است. این لوحه‌ها دربرگیرنده نوشته‌های اداری و حقوقی، نامه‌ها، نوشته روی مهرها، کودوروها، کتیبه‌های اشخاص به مناسبت پیشکش به خدایان، و حتی قطعه‌ای از متنی ادبی است که عده‌ای آنرا بخشی از حماسه‌ای تاریخی می‌دانند.

این قوم در هزاره دوم پ.م. به سرزمین میان‌رودان نفوذ کرد و پس از درگیری‌هایی، موفق شد کنترل سیاسی سرزمین بابل را در دست گیرد. طبق گزارش‌ها و فهرست‌های شاهی بر جای مانده، شاهان کاسی تقریباً به مدت ۵۷۶ سال بر بابل حکم راندند. البته این احتمال وجود دارد که نخستین شاهان کاسی، معاصر با آخرین شاهان نخستین سلسله بابلی بوده باشند. با این ترتیب احتمال دارد که گنداش (Gandash)، نخستین پادشاه کاسی، سلطنت خود را حدوداً در اواسط سده هژدهم پ.م. آغاز کرده باشد، هرچند که احتمالاً قلمرو وی سرزمین بابل را شامل نمی‌شده‌است.

شاهان کاسی کنترل قلمرو خود را از طریق شبکه‌ای از ایالت‌هایی که توسط والیان اداره می‌شد، حفظ می‌کردند. شهر نیپور، نه در زمان کاسی‌ها احیا شده بود، مهم‌ترین مرکز ایالتی به‌شمار می‌رفت و با شهرهای سلطنتی بابل و اور - کوریگلزو، از نظر اهمیت کوس برابری می‌زد. نیپور، که در گذشته شهری با عظمت بود، در حدود سال ۱۷۳۰ پ.م. متروک شد تا آنکه در دوره کاسی‌ها مورد بازسازی قرار گرفت. در همین دوره پرستشگاه‌های این شهر نیز روی ویرانه‌های پرستشگاه‌های پیشین ساخته شد. در حقیقت، والی نیپور، که عنوان گوئناکو^۴ را برای خود برگزیده بود، بعنوان شاهی ثانوی و با مقامی پایین‌تر از شاه اصلی، ایفای نقش می‌کرد. اعتبار و وجهه نیپور کافی بود تا گروهی از شاهان کاسی سده سیزدهم عنوان «والی نیپور» را برای خود اختیار کنند.

^۴ guennakku - واژه‌ای بابلی و مشتق از سومری. نک: Black, George & Postgate 2000: 95.

از نظر سیاست خارجی، رابطه ایشان با حکومت‌های همجوار، به‌ویژه ایلام، و تأثیرات متقابل ایشان در خور توجه است. بنا به گفته هینتز^۵ زمانی که آگون دوم، حاکم کاسی، بابل را در سال ۱۵۹۳ اشغال کرد، نقطه پایانی بر تفوق بابل بر ایلام نهاد. در این رابطه، این پرسش مهم مطرح است که آیا حکومت مستبد کاسی جانشین دولت بابل شد یا خیر.

بر حال شواهدی مبنی بر درگیری‌هایی بین ایلام و دولت کاسی وجود دارد. «تلخ-ترین» آخرین حادثه مربوط به «عصر سیاه» کاسی‌ها در ایلام، فتح شوش توسط کوریگلرو دیم بود که از ۱۳۴۵ تا ۱۳۲۴ بر بابل حکم راند.^۶ در سدهٔ دوازدهم پ.م، ایلام ضربه نهایی خود را به قدرت کاسی در بابل، که پیشتر توسط شورش‌های ملی ضعیف شده بود، وارد آورد. در هزاره نخست پ.م، کاسی‌ها به سوی کوه‌های زاگرس عقب‌نشستند. در این منطقه با لشکرکشی‌های آشور به سوی شرق مواجه و سرانجام خراجگزاران می‌شدند. اسکندر مقدونی سرزمین‌های تحت اشغال کاسی‌ها را تصرف کرد، هرچند که آنان بعداً دوباره استقلال خود را تا حدی به دست آوردند.

یکی از نوآوری‌های کاسی‌ها «کودورو» (Kurru) بود. کودورو، که در زبان اکدی به معنی «مرز» یا «سنگ مشخص کننده سرحد» است، آطلعه سنگی بود که به عنوان سند به کار می‌رفت. این سند حاوی اطلاعاتی دربارهٔ اعطای زمین از طرف شاه به شخصی بود که مورد لطف و عنایت پادشاه قرار گرفته بود. همچنین کودوروها از معدود آثار به جای مانده‌ای هستند که از طریق آن‌ها می‌توان هنر کاسی را مطالعه نمود.

^۵ W. Hinz, *The Lost World of Elam: Re-creation of A Vanished Civilization*, tans. J. Barnes, London, 1972: 99.

^۶ Hinz 1972: 111.

^۷ Black, George, & Postgate 2000: 165.

اصل کودورها در پرستشگاه‌ها نگهداری می‌شد، و کپی‌های گلی آن‌ها در اختیار مالکان زمین قرار می‌گرفت. روی این اسناد سنگی متن قرارداد، تصاویری از نمادهای خدایانی که تحت حمایت آن‌ها این پیشکش صورت گرفته بود، و نیز عباراتی در لعن افرادی که به این قرارداد تجاوز کنند، حک می‌شد. کودورها نه تنها حاوی اطلاعاتی از اوضاع اقتصادی و دینی آن دوره هستند، بلکه تقریباً تنها آثار هنری‌ای به شمار می‌آیند که از دوره حکومت کاسی‌ها در بابل برجای مانده است.

در مورد دین کاسی‌ها، به جز نام برخی خدایان ایشان، نوشته‌ی مهمی به دست نیامده است. با بررسی منابع مرتبط، حدود سی ایزد را می‌توان شناسایی کرد. بر کودورویی مکشوفه از شوش که مربوط به دوران پادشاهی ملی‌شپیک دوم (Meli-Šipak II) (حدود ۱۱۸۸ - ۱۱۷۴ پ. م.)، پادشاه کاسی، است، نماد بیست و چهار تا از خدایان منقوش است. این خدایان عبارتند از: ایشتار، شمش، آنو، انلیل، آ، نین‌خورساگ، نینورتا یا نرقال، زابابا، هاربا، نرقال یا نورو، اژدها با سر شیر، مردوک، نبو، گولا، آدد، شالا، نوسکو، نین‌گیرسو، پاپسوکال، شوکموه، سومالیا، دسته گل روی پایه ستون، ایشتاران، اشیخارا (تصویر ۱).^۸

به گفته‌ی دیاکونوف «کاشو» یکی از خدایان ایشان بود که طاراً خدای قبیله و نیای کاسین شمرده می‌شد. «کاشو» یا «کاشو» خدایی بود که این قوم نام خود را از آن گرفتند. کاشو تلفظ اکدی واژه و تلفظ کاسی آن بر ما مجهول است.^۹ ایزد دیگر «شیمالی» یا «شیبارو» ایزد قلل کوهستان بود. و دیگر «شوکامون» یا «شومو» خدای آتش زیر زمینی و حامی سلاله‌ی شاهی. «هاربه» و «شیحو» از خدایان مهم ایشان بودند که با خدایان بابلی، یعنی «انلیل» خدای زمین، و «مردوک» خدای بزرگ سرزمین بابل، برابر بودند.

^۸ م. ر. صراف، مذهب قوم ایلام (۲۶۰۰ - ۵۰۰ سال پیش)، تهران ۱۳۹۱: ۱۳۹-۱۴۰، ۱۶۰.

^۹ ا. م. دیاکونوف، تاریخ ماد، ترجمه ک. کشاورز، تهران ۱۳۸۲: ۱۲۹.